

پرسش ۵۰۹: چرایی عدم حضور امام مهدی (ص) و سوالی درباره انتخابات

السؤال / ۵۰۹: السلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

تحية طيبة وأطال الله بعمركم إن شاء الله.

أنا حابه أطرح مشكلتي: أي شخص أتناقش معه عن الدعوة يوصلني لسؤال لماذا لم يظهر الإمام بنفسه، لماذا أرسلك لنا؟؟

سؤال / ۵۰۹: سلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

درود نیکو و ان شاء الله خداوند عمر شما را طولانی کند.

من دوست دارم مشکلم را بیان کنم: با هر شخصی که در مورد دعوت مناقشه نمودم، سؤالی بر من مطرح می کنند که چرا امام مهدی (ع) خودش ظهور نمی کند، چرا شما را برای ما فرستاد؟؟

وسؤال آخر: لماذا خطأ أن ننتخب رئيس للدولة العراقية، هل نترك العراق هكذا بدون رئيس؟ وأنا لا أعرف الإجابة على هذين السؤالين، ولا أستطيع إقناعهم، أتمنى منكم الرد على أسئلتي وأكون جداً شاكرة.

المرسلة: راوية المعموري - العراق

و سؤال دیگر: چرا انتخاب رئیسی برای دولت عراق برای ما اشتباه است، آیا عراق را این چنین بدون رئیس رها کنیم؟ و من پاسخ این دو سؤال را نمی دانم، و نمی توانم آن ها را قانع کنم، از شما تمنا می کنم که پاسخ سؤالاتم را بدهید و واقعاً متشکرم.

فرستنده: راویه معموری - عراق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين
وسلم تسليماً كثيراً.

وعليكم السلام ورحمة الله وبركاته.

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم
تسليماً كثيراً.

وعليكم السلام ورحمة الله وبركاته.

بالنسبة للسؤال الأول: فهو لا شك يستبطن تمرداً على الحق من قبل
سائله، فالواقع الآن هو أن الإمام المهدي (ع) أرسل السيد أحمد الحسن،
فعلى السائل أن يطلب الدليل على هذه الحقيقة الخارجية الواقعة، أما
السؤال لماذا لم يظهر الإمام نفسه وأرسل ابنه، فيكفي أن نعلم أن
الإمام (ع) حكيم وعالم وما يفعله هو عين الصواب، ثم ماذا إن كانت هذه
هي إرادة الله تعالى، هل نعرض على الله؟ علينا أن نناقش الواقع ونتأكد
أنه واقع وحقيقة، أما افتراض واقع من عند أنفسنا والسؤال بالتالي لماذا
لم يتحقق هذا الواقع الذي افترضناه نحن، فلا أظنه إلا من تسويلات
الشیطان ليصرف الناس عن الحق.

در مورد سؤال اول: و آن بدون شك از آن، تمرد بر حق از جانب سؤال کننده
استنباط می شود، و در واقع الان امام مهدی (ع) سید احمد الحسن (ع) را فرستاده
است، و بر فرد سؤال کننده است که دلیلی در مورد این حقیقت خارجی که واقع شده
طلب کند، اما این سؤال که چرا امام خودش ظهور نکرد و فرزندش را فرستاد، کافی
است که بدانیم: امام (ع) حکیم و داناست و آن چه انجام می دهد عین صواب است،
سپس اگر اراده خداوند متعال این بوده چه کار کنیم؟ آیا به خداوند اعتراض کنیم؟ بر
ماست که واقعیت را مناقشه کنیم و مطمئن شویم که آن واقعیت و حقیقت است، اما
فرض کردن واقعیت در نزد خودمان و بعد سؤال از این که چرا این واقعیتی که ما فرض

کردیم تحقق نیفتاده است، فکر کنیم آن از وسوسه های شیطانی است که می خواهد مردم را از حق باز دارد.

أما السؤال الثاني: فالجميع يعلم أن حجة الله تعالى موجود قبل دخول قوات الاحتلال وفقهاء النجف وغيرهم يعلمون هذا، فما كان أحراهم أن يلتفوا حوله إن كانوا مؤمنين، وكذلك فإن أصل الانتخاب واختيار الناس للحاكم باطل شرعاً، ومنه يُعرف أن السيد أحمد الحسن والدعوة الشريفة ليس هما من قال ببطلان اختيار الناس للحاكم بل الله تعالى قال هذا، فهل الله أعلم وأحكم أم الناس؟

اما در مورد سؤال دوم: همه می دانند که حجت خداوند متعال قبل از ورود نیروهای احتلال وجود داشت و فقهای نجف و غیر آن ها این مطلب را می دانستند، اگر ایمان داشتند برای آن ها سزاوار بود باید دور او جمع می شدند، هم چنین اصل انتخابات و اختیار حاکم توسط مردم از نظر شرعی باطل است، و از آن سید احمد الحسن (ع) و دعوت شریفش شناخته می شود و ایشان نیستند که به بطلان انتخاب حاکم توسط مردم قایل باشند، بلکه خداوند متعال این را می گوید، و آیا خداوند دانا تر و حکیم تر است یا مردم؟

إن أهم وأثمن ما في هذه الحياة هو الدين كما يعرف المؤمنون، والدين كامل لا نقص فيه، فهل يصح أن نتذرع بحجج واهية من قبيل إننا لا يمكن أن نترك بلادنا من غير حاكم ونتصل من تعاليم ديننا؟ وسبحان الله لقد اختبرهم الله بعد سقوط دكتاتورية صدام، هل يسارعون إلى اتباع شهواتهم وأهوائهم ويختارون لهم حاكماً، أم يتمسكون بحجة الله ويأبون إلا حكمه وحكم من أرسله، وفشلوا فشلاً ذريعاً، وما قولهم هل نترك العراق دون حاكم إلا تمادياً منهم في باطلهم وغشاً منهم لأتباعهم.

همان طور که مومنین می دانند، دین مهم ترین و گران بهاترین چیزی که در زندگی است، و دین کامل است و کمبودی در آن نیست، آیا صحیح است که دلیل های واهی بیاوریم که ما نمی توانیم کشورمان را بدون حاکم رها کنیم، و از آموزه های دینمان جداشویم؟ سبحان الله، خداوند آنان را بعد از سقوط صدام دیکتاتور سنجید، آیا دنباله روی شهوات و هوای نفس خود می روند و برای خودشان حاکم انتخاب می کنند یا به حجت خدا چنگ می زنند و فقط حکمش و حکم فردی که او را فرستاده است می گیرند، و شکست بدی خوردند، و سخن آنان که عراق را بدون حاکم ترک کنیم؟ این سخن برای فرو رفتن در باطل خودشان است و اینکه اتباع خودشان را فریب دهند.

وأخيراً هذا الرئيس أو الحاكم الذي يختارونه بأي علم سيحكمهم، هل يطبق فيهم تعاليم الإسلام؟ وكيف والإسلام لا يطبقه سوى حجة الله في أرضه؟ إذن بالنتيجة لن يكون الحاكم الذي يختارونه سوى نسخة أخرى من الطواغيت، وتكون النتيجة خسران الدنيا والآخرة، وها هي النتيجة أمامنا، فما الذي جنوه من اختيارهم سوى الخسران المبين؟

اللجنة العلمية - أنصار الإمام المهدي (مکن الله له في الأرض)

الأستاذ أبو محمد الأنصاري -

شعبان / ١٤٣١ هـ

در آخر می گویم: این رئیس یا حاکمی که انتخاب می کنند براساس چه علمی بر آنان حکومت می کند، آیا مطابق آموزه های اسلامی عمل می کند؟ و چگونه، در حالی که اسلام را فقط حجت خداوند بر روی زمین تطبیق می دهد؟ پس در نتیجه حاکمی که انتخاب می کنند فقط نمونه ای دیگر از طاغوت هاست، و نتیجه زیان دنیا و آخرت است، و نتیجه ی آن روبروی ماست، و به غیر از خسران آشکار از انتخابشان به چه چیزی رسیدند؟

هئئت علمی - أنصار امام مهدي (مكن الله له في الأرض)

استاد أبو محمد

انصارى - شعبان / ١٤٣١ هـ

